نشریه مکتب احیاء، ٤ (١١)، ٨-١٧/ تابستان ١٤٠٥
10.22034/4.11.104

مقالهٔ پژوهشی

جستجوی اجزا و صورت گذشتهٔ مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد

یحیی سپهری*
مرکز مستندنگاری و مطالعات معماری و مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

واژگان کلیدی
بقعهٔ سید شمس‌الدین، سید شمس‌الدین، چهار منار، یزد، مجموعهٔ شهری

چکیده

بقعهٔ سید شمس‌الدین در محلهٔ چهار منار یزد واقع است. این بقعه که در قرن هشتم هجری قمری بنا شده، در گذشته، جزئی از یک مجموعهٔ شهری بوده است. با اینکه در متون تاریخی اشارات متعددی به این مجموعه شده است اما اکنون اجزای این مجموعه و صورت اصلی آن برای ما مشخص نیست. تحقیق حاضر تلاش می‌کند با کمک متون تاریخی و شواهد باقی‌مانده، اجزای آن را بازشناسد و تصویری از صورت گذشتهٔ مجموعه به‌دست دهد. روش این تحقیق تاریخی است. نخست با رجوع به متون تاریخی اطلاعات مربوط به مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد استخراج شده است. سپس اسناد و مدارک و تصاویر موجود این مجموعه گردآوری و با مطالعهٔ میدانی در محل شواهد تکمیل شده است. نهایتاً داده‌های به‌دست آمده با هم تطبیق داده شده و تحلیل شده است. مقاله ابتدا بر پایهٔ متون تاریخی موقعیت و اجزای مجموعهٔ سید شمس‌الدین را مشخص و هر یک را مختصراً توصیف می‌کند. سپس بر اساس شواهد باقی مانده، صورت فعلی مجموعه و تحولات و تغییرات آن را بررسی می‌کند. نهایتاً با تطبیق و تحلیل همهٔ شواهد و قراین، صورت احتمالی این مجموعه‌ی شهری را آشکار می‌کند.

* نویسندهٔ مسئول: ۰۹۳۵۲۴۶۶۵۸۸, y_sepehri@sbu.ac.ir

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]
[DOI: 10.22034/4.11.104]

مقدمه

مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد، از مهم‌ترین مجموعه‌های شهری یزد در قرن هشتم است. این بنا همچنین از نمونه‌های اولیهٔ مقابر مجموعه‌ای شهری است. در متون تاریخی اشارات متعددی به این مجموعه شده است. این اشارات حاکی از آن است که مجموعهٔ سید شمس‌الدین سابقاً اجزا و قسمت‌های مختلفی داشته است. اکنون از این اجزای مختلف، شواهد و آثار اندکی در محلهٔ چهارمنار یزد باقی است. برخی محققان معاصر مانند دونالد ویلبر و آرتور پوپ مختصراً به این بنا پرداخته‌اند؛ اما اجزای دقیق مجموعه و صورت اصلی آن بر ما پوشیده است. در این نوشتار سعی داریم با کمک متون تاریخی، تصاویر و مدارک باقی‌مانده و نیز رجوع به صورت فعلی مجموعه، اجزای آن را بازشناسیم و تصویری از صورت گذشتهٔ آن به‌دست دهیم. به این منظور، نخست با جستجو در متون، اجزای این مجموعه را مشخص می‌کنیم. سپس به بقعهٔ سید شمس‌الدین که هستهٔ اصلی مجموعه و تنها بنایی از مجموعه که امروز باقی است، می‌پردازیم. در ادامه، دیگر شواهدِ موجود در محل را بررسی می‌کنیم و تلاش می‌کنیم با تطبیق یافته‌هایمان از متون و آنچه که هم‌اکنون در محل باقی است صورت اصلی مجموعه را جستجو کنیم.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های معدودی دربارهٔ مجموعه و بقعهٔ سید شمس‌الدین یزد انجام شده است. پژوهشگران غربی مثل آرتور اپهام پوپ و دونالد ویلبر در نوشته‌های خود به بنای بقعهٔ سید شمس‌الدین اشاره کرده‌اند. پوپ در کتاب سیری در هنر ایران بنای بقعه را توصیف و تحلیل کرده است اما از مجموعهٔ سید شمس‌الدین و سایر اجزای آن سخن نگفته است. ویلبر در کتاب معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان مختصراً تاریخ مدرسهٔ شمسیه را بیان کرده و همچنین وضعیت بنا را در سال ۱۹۳۶ توصیف نموده است. او نیز به مجموعهٔ سید شمس‌الدین اشاره‌ای نکرده است. ایرج افشار نیز در کتاب یادگارهای یزد تاریخ مجموعه را با استفاده از متون تاریخی بیان کرده است. افشار همچنین وضعیت مجموعه را در زمان بازدید خود (احتمالاً دههٔ ۱۳۴۰ش) توصیف کرده و متن کتیبه‌ها را نیز آورده است. البته او دربارهٔ طرز معماری بنا خوانندگان را به کتاب‌های پوپ و ویلبر ارجاع می‌دهد. کتاب گنجنامه نیز در دفتر پنجم تاریخ بنا را مختصراً ذکر کرده است و نقشه‌های کاملی از بنای بقعه عرضه می‌کند. در هیچ‌یک از منابع یادشده دربارهٔ صورت اصلی مجموعهٔ سید شمس‌الدین اظهار نظر نشده است.

روش تحقیق

روش این تحقیق تاریخی است. نخست با رجوع به متون تاریخی مطالب مربوط به مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد استخراج شده است. سپس اسناد و مدارک و تصاویر موجود این مجموعه گردآوری شده و با مطالعهٔ میدانی در محل مجموعهٔ شواهد ثبت و ضبط و تکمیل شده است. نهایتاً داده‌های به دست آمده با هم تطبیق داده شده و تحلیل شده است.

معرفی شخصیت سید شمس‌الدین

سید شمس‌الدین، فرزند سید رکن‌الدین و داماد خواجه رشیدالدین فضل الله است. وی بانی مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد بوده و موقوفات بسیاری از وی در این شهر و دیگر شهرها بر جای مانده است. پدرش، سید رکن‌الدین، از سادات محترم شهر یزد و بانی مدرسه و دستگاه علمی نجومی وقت و ساعت در یزد بود (افشار، ۱۳۴۸، ۱۸). سید رکن الدین در ماجرای تاجر نصاری در یزد مورد غضب و اتهام اتابک یوسف شاه (شاه یزد) واقع شد و به زندان افتاد (Jafari, 2005, 107; Kateb Yazdi, 2007, 115).[1]

پسرش، سید شمس‌الدین، به وسایلی از یزد گریخت و خود را به تبریز رساند. او در آنجا امیر غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل الله را ملاقات کرد و امیر غیاث‌الدین «نیابت وزارت تمام ممالک سلطان ابی سعید بدو تفویض کرد و قاضی قضاتی و اوقاف تمام مملکت بدو ارزانی داشت» (Jafari, 2005, 107). سید شمس‌الدین همان روز حکم آزادی پدر را نیز گرفت. همچنین او با یکی از دختران خواجه رشیدالدین فضل الله ازدواج کرد (همان، ۱۱۱).

هنگامی که سید شمس‌الدین در تبریز استقلال یافت طرح مجموعهٔ شمسیه را بیانداخت و به یزد فرستاد (Kateb Yazdi, 2007, 118). این موضوع حکایت از آن دارد که معماران ایرانی، نخست طرح بناها را روی کاغذ می‌آوردند و سپس مبادرت به ساختن می‌کردند. همچنین نشان از آن دارد که احتمالاً سید شمس‌الدین دستی نیز در معماری داشته است. در سال ۷۲۷ق کار ساخت مجموعهٔ شمسیه پایان می‌یابد (Jafari, 2005, 107; Kateb Yazdi, 2007, 119). سید شمس‌الدین، یک سال بعد از پدرش در سال ۷۳۳ق در تبریز از دنیا رفت. جنازهٔ او را از تبریز به یزد منتقل و در مدرسهٔ خودش در چهارمنار دفن کردند. همسرش، دختر خواجه رشیدالدین فضل الله، صندوق و محجر مرقد او را که از چوب آبنوس و صندل ساخته شده بود و همچنین محرابی از سنگ مرمر را به همراه وی به یزد فرستاد تا در گنبدخانهٔ مدرسهٔ چهارمنار نصب کنند (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹؛ Kateb Yazdi, 2007, 119; Jafari, 2005, 111).

موقوفات و بقاع بسیاری اعم از رباط، کاروانسرا، حمام، مسجد و مدرسه از وی در یزد، ابرقو، قم، کاشان، ساوه، ری، سلطانیه و تبریز بر جای ماند. جالب این که خود او هیچ یک از این عمارات را ندید (Jafari, 2005, 107; Kateb Yazdi, 2007, 119). شرح موقوفات وی و پدرش در وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات آمده است.

معرفی مجموعهٔ سید شمس‌الدین از متون تاریخی

شرح موقوفات سید شمس‌الدین در وقف‌نامه جامع‌الخیرات آمده است. غرض از نوشتن این وقف‌نامه، شمردن اماکن و بقاع منسوب به

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.10]

سید شمس‌الدین و پدرش، دانسته شده است (وزیری، ۱۳۶۵، ۷). از متن وقف‌نامه بر می‌آید که در زمان حیات سید شمس‌الدین نگاشته شده باشد.[۲] در وقف‌نامه آمده که سید شمس‌الدین جمعاً دستور ایجاد بیست‌وسه بقعه را داده و آن‌ها را در تاریخ‌های معین وقف نموده است. از این تعداد، سه بنا مربوط به مجموعه شمسیه یزد است. این بناها شامل مدرسه، دارالسیاده و خانقاه است (همان، ۹-۱۱). اما با جستجو در تواریخ سه‌گانه[۳] یزد در می‌یابیم که این مجموعه ظاهراً بخش‌های دیگری نیز داشته است.

کتاب تاریخ یزد، بخش‌های این مجموعه را شامل دو مدرسه، دارالسیاده، خانقاه، بازار، حمام، کاروانسرا دانسته است (Jafari, 2005, 110-111). در کتاب تاریخ جدید یزد نیز به همهٔ این بخش‌ها اشاره شده اما تنها از یک مدرسه یاد شده است (Kateb Yazdi, 2007, 119). کتاب جامع مفیدی همانند آن بوده ولی از خانقاه سخنی به میان نیامده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۸-۵۵۹). ضمناً همهٔ این متون به احداث ساباطی در کنار مدرسه نیز اشاره می‌کنند که در تاریخ جدید یزد تعداد آن چهار ساباط ذکر شده است. در ادامه با توجه به متن وقف‌نامه و دیگر متون به بررسی این مجموعه و بخش‌های مختلف آن می‌پردازیم.

• موقعیت مجموعه در شهر

مجموعه سید شمس‌الدین در قرن هشتم، در حومهٔ شهر یزد بنا می‌شود. در وقف‌نامهٔ جامع‌الخیرات دربارهٔ مدرسهٔ شمسیه و دیگر ملحقات آن آمده است، «تمام آن‌ها در خارج شهر یزد و در محلی که آن را سر کوچه بهروک می‌نامند می‌باشد» (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۰) همچنین در جامع‌الخیرات از این محل با نام سکه بهروک هم نام برده شده است: «بر مدرسه و خانقاه و داروخانه و کتابخانه که همه متصل به یکدیگر هستند و در حومهٔ شهر یزد که خدا آن را حمایت کند در محلی که آنجا را رأس سکه بهروک و اهرستان می‌نامند واقع می‌باشند ...» (همان، ۹۸). این محل بعد از تأسیس مجموعه سید شمس‌الدین و به علت وجود مدرسه شمسیه که دارای چهار منار بوده به محلهٔ چهارمنار مشهور می‌شود. نکته‌ای که در کتاب جامع مفیدی به اشاره شده است: «کوچهٔ بهروک که اکنون به چهارمنار اشتهار یافته ...» (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۱۸۷).

همچنین بخشی از این محل به حوض ملکتیه (در تلفظ عام مُلتکیه) مشهور بوده است. نام حوض ملکتیه را ظاهراً از نام موقوفات بقعهٔ ملکتیه اخذ شده است. در کتابچهٔ موقوفات یزد چنین آمده است: «موقوفات بقعهٔ ملکتیه واقعه در محلهٔ چهارمنار، واقف ملکه خانم بوده از سلسلهٔ میرزاییان عباسیه» (طراز، ۱۳۴۱، ۴۲). هم اکنون از آن بقعه و موقوفات اثری باقی نیست (افشار، ۱۳۴۸، ۵۹۰).

از آنجا که این مجموعه در حومهٔ شهر یزد واقع بوده ظاهراً باغات و مزارعی در نزدیکی آن وجود داشته است، به طوری که در جامع مفیدی به وجود باغات مشجر در اطراف آن اشاره می‌شود (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹). وجود مزارع و باغات در نزدیکی این محله حتی در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش نیز قابل رؤیت است. در آن سال‌ها این محله در ورودی شهر یزد قرار داشته است. واضح است که احداث این مجموعه باعث گسترش شهر شده و مدتی بعد، مجموعه به شهر متصل می‌گردد. هم اکنون نیز این مجموعه در میانهٔ شهر یزد واقع شده است.

• مدرسه شمسیه

مدرسه را می‌توان مهم‌ترین بخش مجموعهٔ سید شمس‌الدین دانست. چرا بخشی از آن از ابتدا برای مدفن واقف آن سید شمس‌الدین در نظر گرفته شده است. در جامع‌الخیرات آمده است که چهار نفر از حافظان کلام خدا باید در محلی از مدرسه که برای مقبرهٔ واقف تعیین شده به طور دائم قرآن بخوانند (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۲۱). به استناد تواریخ یزد نیز بعد از وفات سید شمس‌الدین در سال ۷۳۳ق او را در مدرسه خودش در چهارمنار دفن می‌کنند. همسرش صندوق مرقد وی را که از چوب آبنوس و صندل بود به همراه جسدش از تبریز به یزد می‌فرستد تا در گنبدخانه مدرسه نصب کنند. همسر سید شمس‌الدین همچنین محرابی مرمرین نیز همراه وی به یزد می‌فرستد که آن را نیز در ضلع جنوبی گنبدخانه نصب می‌کنند (Jafari, 2005, 111; Kateb Yazdi, 2007, 119؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹).

به استناد جامع‌الخیرات، علاوه بر گنبدخانه، مدرسه شامل دو بقعهٔ دیگر به نام کتابخانه و داروخانه نیز بوده است (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۰). همچنین تعداد طلاب این مدرسه ده نفر ذکر شده است (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۲۰). از حجره‌های طلاب مدرسه سخنی به میان نیامده اما می‌توان تصور کرد که برای این تعداد طلبه اتاق‌هایی نیز برای اقامت در نظر گرفته شده است.

مدرسه، یک مُدرس داشته که شافعی مذهب بوده و پیش‌نمازی نیز داشته که به‌طور دائم در بقعه حاضر می‌شده و نمازهای یومیه را به‌جای می‌آورده است (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۱۹-۱۲۰). کتب تواریخ یزد بر این موضوع توافق دارند که چهار منار بر چهار رکن مدرسه واقع بوده است. چهار مناری که با کاشی سبز تزیین شده بوده است (Jafari, 2005, 110; Kateb Yazdi, 2007, 118؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹). تنها در کتاب تاریخ یزد است که سخن از دو مدرسه به میان آمده است. دو مدرسه‌ای که در مقابل یکدیگر واقع شده و چهار منار بر اطراف هر دو مدرسه واقع بوده است (Jafari, 2005, 110).

• خانقاه

در وقف‌نامه جامع الخیرات، بعد از مدرسه، شرح خانقاه آمده است. به جز جامع مفیدی در دیگر کتب تاریخ یزد به وجود خانقاه در این مجموعه اشاره شده است. آن طور که از متن وقف‌نامه استنباط می‌شود خانقاه جنب مدرسه واقع شده (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۰) و به آن متصل بوده است: «مدرسه و خانقاه و داروخانه و کتابخانه که همه متصل به یکدیگر هستند ...» (همان، ۹۸). در خانقاه یک شیخ متعبد و صالح وظیفه ارشاد خلق را بر عهده داشته و خادمی نیز وظیفه مراقبت از مسافرین و واردین خانقاه را عهده‌دار بوده است (همان، ۱۲۲). خانقاه اتاق‌ها و غرفه‌هایی برای اسکان واردین داشته است و مسافرین مجاز بوده‌اند تا سه روز در خانقاه اقامت داشته باشند. همچنین آشپزی نیز

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]
[DOI: 10.22034/4.11.104]

مسئولیت داشته منظماً برای مسافران غذا بپزد (همان، ۱۲۳). از این می‌توان نتیجه گرفت که خانقاه فضایی نیز برای طبخ غذا داشته است.

• دارالسیاده

به استناد وقف‌نامه جامع‌الخیرات، دارالسیاده در مقابل مدرسه واقع بوده است (وزیری، ۱۳۶۵، ۱۰). کتب تواریخ یزد نیز به وجود آن اشاره می‌کنند (Jafari, 2005, 110; Kateb Yazdi, 2007, 118 ؛مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۸). در بنای دارالسیاده ظاهراً میهمانی مولود رسول اکرم(ص) و مراسم عاشورا برگزار می‌شده است. دارالسیاده فضای مفروشی داشته و فراشی نیز وظیفهٔ فراشی آنجا را عهده‌دار بوده است. دارالسیاده یک خادم و یک دربان نیز داشته است (همان ۱۲۸-۱۲۹). در کتاب تاریخ جدید یزد و همچنین جامع مفیدی اشاره شده است که آب قنات نرسوباد نیز در دارالسیاده جاری می‌گردد (Kateb Yazdi, 2007, 118 ؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹).

• بازار

در وقف‌نامه، سخنی از بازار به میان نیامده اما در کتب تواریخ یزد به وجود آن اشاره شده است. در تاریخ جدید یزد آمده است که «چهار ساباط عالی بر طرفین مدرسه‌ساز کردند و قریب سی دکان در ضمن آن» (Kateb Yazdi, 2007, 118). همچنین در ادامه آمده است که کتابهٔ کاشی بر طرف «بازارِ ساباط» بنهادند و موقوفات را بر آن ثبت کردند (همان‌جا). در جامع مفیدی نیز آمده است که موقوفات را در کتابهٔ کاشی در ساباطی بر درِ مدرسه ثبت کردند (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۵۵۹). در تاریخ یزد نیز اشاره به نصب کتابه در ساباط و آستانهٔ مدرسه شده است (Jafari, 2005, 111). از این متون به دست می‌آید که بازار در ضمنِ ساباط‌ها بوده و در اطراف مدرسه قرار داشته و اینکه امتداد بازار از درِ مدرسه می‌گذشته است. به عبارت دیگر، مدرسه به میان بازار گشوده می‌شده است. در تاریخ یزد، به بازاری دو رویه اشاره شده و اینکه آب تفت در میان بازار جاری شده است. همچنین جامع مفیدی اشاره دارد که آب اهرستان در میان بازار جاری می‌شود.

• حمام

در وقف‌نامه، به حمام نیز اشاره‌ای نشده اما در کتب تواریخ یزد نام آن آمده است. به گواه تاریخ جدید یزد، حمام در میان بازار واقع بوده و برای استفادهٔ مردان ساخته شده بوده است. همچنین نویسندهٔ تاریخ جدید یزد اشاره می‌کند که در زمان نگارش مطلب، حمام به واسطه سیل خراب است (Kateb Yazdi, 2007, 118).[۴]

• کاروانسرا

در همهٔ کتب تواریخ یزد، کاروانسرا به عنوان بخشی از مجموعه ذکر شده است در حالی که در وقف‌نامه سخنی از آن به میان نیامده است. کاروانسرا در میان بازار بوده به صورتی که در یک طرفِ بازار، کاروانسرا و در طرف دیگر، حمام قرار داشته است (Kateb Yazdi, 2007, 118). در مورد کاروانسرا از متون اطلاعات بیشتری به دست نمی‌آید.

وضعیت موجود بقعهٔ سید شمس‌الدین

بنای بقعهٔ سید شمس‌الدین هم‌اکنون در مرکز محلهٔ چهارمنار واقع است. بنا جلوخانی داشته که هم‌اکنون بخشی از آن موجود است. در مقابل بنا، میدان کوچکی در مقیاس محله‌ای وجود دارد. ورودی بنا، سردری رفیع با تناسبات کشیده دارد که البته در حال حاضر پیشانی سردر و لبهٔ بام آن کاملاً از بین رفته است. سردر دارای تزیینات کاربندی و معقلی است. (تصویر ۱)



تصویر ۱. سردر و جلوخان بقعهٔ سید شمس‌الدین. عکس از نگارنده.

داخل بنای کنونی، صحنی مربع شکل وجود دارد و دو ایوان رفیع در دو سوی جنوب شرقی و شمال غربی آن واقع‌اند. گنبدخانه و هشتی پشت این دو ایوان‌اند. سردر، هشتی و ایوان‌ها همگی بر یک محور قرار دارند که البته در امتداد قبله نیست.

هشتیْ مربع شکل است و سقفی گنبدی دارد. گنبدِ هشتی دارای کاربندی با تزیینات معقلی است و تزیینات آن به طاق سردر شباهت دارد. بر بالای گنبد، نورگیری افزوده شده که از بیرون نیز تزیینات کاشی دارد. این حجم اضافی نمود بیرونی دارد و در معابر محله قابل رؤیت است.

صحن در مرکز بنا واقع است. ایوان‌ها تمام نمای جنوب شرقی و شمال غربی در بر گرفته‌اند و تناسبات کشیده‌ای دارند. (تصویر ۲و۳) نمای دو سوی دیگر صحن مشابه بوده و شامل طاق‌نماهایی در دو طبقه است. ارتفاع زیاد نماها، حیاط را بسیار کوچک جلوه می‌دهد. ظاهراً تمام نمای صحن با کاشی معرق پوشیده بوده که اکنون بخش‌هایی از آن باقی است.

سقف ایوان گنبدخانه با نقاشی تزیین شده و کتیبه‌ای به خط ثلث و کوفی بر آن رنگ‌آمیزی شده است. کتیبه‌ای به صورت گچبری برجسته که بسیار پرجزییات و نفیس است، زیر کتیبهٔ نقاشی، در داخل ایوان گردش می‌کند. این کتیبه دارای سه ردیف خط کوفی است. پایین‌تر از آن، کتیبه‌ی گچبریِ دیگری به خط ثلث جلی موجود است که به صورت منقطع درونِ قاب‌هایی قرار گرفته است. در طرفین این ایوان دو نمازخانه واقع است (تصویر ۴).

دیوارهای گنبدخانه تزیینات گچبری و نقاشی گل و بوته دارد که بخش‌های زیادی از آن آسیب دیده است. زیر گنبد و طاق‌نماهای گنبدخانه نیز با نقاشی تزیین شده است (تصویر ۵). قبر سید

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.10]



تصویر ۲. ایوان گنبدخانه (جنوب شرقی). عکس از نگارنده.



تصویر ۳. ایوان شمال غربی. عکس از نگارنده.

شمس‌الدین در میانهٔ گنبدخانه واقع است و روی قبر را با کاشی پوشانده‌اند. هم‌اکنون گرداگرد قبر، حفاظی آهنی نصب شده است. کنار قبر سید شمس‌الدین، قبر دیگری با سنگ مرمر مربوط به شخصی به نام اسحاق وجود دارد که تاریخ آن ۹۶۹ است. در داخل ایوانِ گنبدخانه نیز سنگ قبری افتاده که تاریخ ۸۵۸ بر کنار آن ثبت شده است و قدیمی‌ترین سنگ قبر مجموعه است.



تصویر ۴. تزیینات نقاشی زیر طاق ایوان گنبدخانه. مأخذ: پروندهٔ میراث فرهنگی.

این بنا مدتی کتابخانهٔ میراث فرهنگی یزد بوده است و خانه‌ای که در ضلع شرقی بنا واقع است به کتابدار اختصاص داشته است. کتابخانه در نمازخانهٔ شرقی ایوان برپا بوده و به منظور راحتی کتابدار، این فضا را به خانهٔ مجاور ارتباط داده‌اند. بعد از انتقال کتابخانه به مکانی دیگر، بنا مدتی به موزهٔ دفاع مقدس تبدیل شده است. هم‌اکنون بنا فقط کاربری زیارتگاه دارد و البته درهای بنا بیشتر اوقات بسته است. نمازخانه‌های طرفین ایوان نیز تبدیل به انبار شده است (تصویر ۶).



تصویر ۵. تزیینات سقف گنبدخانه عکس از archnet.org.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.104]



تصویر ۶. پلان بقعهٔ سید شمس‌الدین، (خانه‌ی کتابدار در شمال بنا مشخص است). مأخذ: از کتاب گنجنامه.

سیر تحول بنای بقعه

با توجه به عکس‌های قدیمیِ محدودی که از بقعه باقی است و همچنین مشاهداتی که برخیِ محققین غربی از این بنا داشتند و به طور مختصر در نوشته‌های خود آن‌ها را انتشار داده‌اند، می‌توان پی برد که بخش‌های بسیاری از بنایی که هم اکنون موجود است مرمت شده و جدید است. در ادامه تلاش می‌کنیم این بخش‌ها را بازشناسیم.

دونالد ویلبر در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش از بنا دیدن کرده است. او توصیفاتی مختصر به همراه سه تصویر از بنا را در کتاب خود آورده است. از این تصاویر دو عکس مربوط به تزیینات ایوان گنبدخانه است و یک تصویر نمای این ایوان را نشان می‌دهد (تصویر۷). او در توصیفات خود اشاره می‌کند که گنبدِ اتاق مقبره خراب است. همچنین تصویر او از نمای ایوان نیز نشان می‌دهد که بخشی از گنبد بنا فروریخته است. جزییات داخلی گنبدخانه از این تصویر قابل تشخیص نیست اما می‌توان نتیجه گرفت که گنبد کنونی مقبرهٔ جدیدالاحداث است و ممکن است برخی تزیینات زیر گنبد نیز اصالت نداشته باشند.

مدرک بعدی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش است. در این عکس گنبد مقبره وجود دارد که احتمالاً در این فاصله مرمت شده است. اما این عکس نشان می‌دهد که هشتی فاقد سقف است (تصویر ۸). مورد بعدی، تصویری است که رنتا هالود در سال ۱۳۵۱ از بنا گرفته است (تصویر ۹). این عکس از میانهٔ صحن برداشته شده و جهت دید به سمت ورودی و هشتی است. از این عکس چند نکته قابل استنباط است:

۱. در این عکس ایوان شمالی وجود ندارد. پس ایوان شمالی بعد از این تاریخ بازسازی‌شده و کاملاً جدید است.

۲. طاق‌نماهای طرفین حیاط یک طبقه بوده و فاقد تزیینات (از قبیل مقرنس و ...) است. پس می‌توان نتیجه گرفت که طبقه دوم نوساز است و اصالت ندارد. اما در مورد شکل کلی طاق‌نماها و تزیینات مقرنس زیر طاق‌ها، در بازدید از بنا مشاهده شد که یکی از طاق‌نماهای ضلع غربی و متصل به ایوان جنوبی ظاهراً تزییناتی اصیل دارد و احتمالاً برای بازسازی دیگر طاق‌نماها از آن اقتباس شده است.

۳. نمای حیاط فاقد تزیینات کاشی است و با گچ پوشانده شده است. به نظر می‌رسد بخشی از کاشی‌های معرقِ نما، زیر گچ پنهان بوده و بعد استخراج و مرمت شده است.



تصویر ۷. ایوان گنبدخانه، عکس از دونالد ویلبر. مأخذ: معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان.



تصویر ۸. بقعهٔ سید شمس الدین در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش.



تصویر ۹. نمایی از صحن در سال ۱۳۵۱ش. مأخذ: رنتا هالود (از archnet.org).

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.10]

۴. در این عکس هشتی دارای گنبد است، پس گنبد در این فاصله ساخته شده است. اما این گنبد با شکل امروزی آن تفاوت داشته و نورگیرِ بالای آن وجود ندارد. ظاهراً گنبد پس از این تاریخ مجدد مورد مرمت قرار گرفته است.

نکتهٔ بعدی سردر بنااست. همان‌طور که گفته شد، بخشی‌هایی از سردر از جمله پیشانی و لبهٔ بام از بین رفته است. طاق سردر که هم اکنون موجود است نیز جدید بوده و بنا بر کتیبه‌ای که روی آن نصب شده در سال ۱۳۶۱ش توسط استاد علی‌اکبر خرمی بازسازی شده است. از آنجاکه تزیینات کاشی زیر گنبدِ هشتی نیز بسیار شبیه به تزیینات طاق سردر است، احتمال دارد که این تزیینات نیز در همان تاریخ اجرا شده باشد (تصویر ۱۰). همچنین نورگیر بالای گنبد هشتی نیز که از بیرون تزیینات کاشی دارد احتمالاً مربوط به همین دوران است.

علاوه بر این مدارک، عکسی‌هایی از عملیات مرمت صحن نیز نزد میراث فرهنگی موجود است. این عکس‌ها نشان می‌دهد که بخش اعظمی از تزیینات کاشی معرق نمای صحن جدید بوده و حاصل مرمت‌های اخیر است.

ویلبر و پوپ عکسی از درون گنبدخانه ارائه نکرده‌اند اما هردو محقق در نوشته‌های خود از سنگ قبری مرمرین صحبت می‌کنند که تاریخ ۷۶۷ روی آن حک شده است و اشاره می‌کنند که این همان سنگی است که از تبریز فرستاده شده است. (Pope, 1938/2008; Wilber, 1938/1955) همان‌طور که در بخش قبل آمد به استناد همهٔ تواریخ یزد، همسر سید شمس‌الدین به همراه جسد وی، صندوق و محجر قبر او که از چوب ساخته شده بود به‌علاوهٔ محرابی مرمرین از تبریز به یزد فرستاد که محراب را در سمت جنوب گنبدخانه نصب کردند. پس آنچه که از تبریز ارسال شده بود محرابی مرمرین بود نه سنگ قبر. در اینجا مشخص نیست که منظور ویلبر و پوپ از سنگ قبر مرمرین کدام است و به نظر می‌رسد که آن‌ها دچار اشتباه شده باشند. البته از آنجا که ویلبر بعد از معرفی اثر، خواننده را به کتاب پوپ ارجاع می‌دهد امکان دارد که این مطالب را از پوپ اقتباس کرده باشد. ضمناً تاریخ سنگ قبر هم جای تردید است. چراکه تاریخ وفات سید شمس‌الدین بنابر گفتهٔ همه تواریخ یزد سال ۷۳۳ق بوده است، حال آن‌که سنگ قبری که آن‌ها از آن یاد می‌کنند تاریخ ۷۶۷ داشته است.



تصویر ۱۰. تزیینات زیر گنبد هشتی. عکس از نگارنده.

مسئلهٔ بعد، محراب است. هم‌اکنون در پس‌نشستگی‌ای که مقابل ورودی گنبدخانه واقع است، نواری از سنگ مرمر به عرض حدود نیم متر وجود دارد که آیات ۱۷ تا ۲۰ سورهٔ آل عمران به خط ثلث بر روی آن حک شده است (تصویر ۱۱). ایرج افشار در کتاب یادگارهای یزد از آن با عنوان دورهٔ محراب یاد می‌کند و در پروندهٔ ثبتی بنا در میراث فرهنگی نیز از آن با عنوان محراب یاد شده است. اما این نوار سنگی از نظر ظاهری شباهتی به محراب ندارد بلکه صرفاً حاشیه‌ای تزیینی است. از آن مهم‌تر اینکه این محراب در جهت قبله واقع نشده است بلکه در جهت عمود بر قبله (جنوب شرقی) قرار دارد. البته این شیء در جهت محور اصلی بنا و مقابل ورودی قرار دارد ولی همان‌طور که بیان شد محور اصلی بنا در جهت قبله نیست. دو نکته در این‌باره قابل توجه است. نخست اینکه ایرج افشار اظهار داشته که یادگاری‌هایی بر روی سنگ مرمر منصوب در دورهٔ محراب نوشته شده است که تاریخ قدیمی‌ترین آن‌ها به سال ۸۱۸ق برمی‌گردد. پس قدمت این سنگ حدوداً به زمان احداث بنا باز می‌گردد. دوم اینکه دو ضلع دیگرِ گنبدخانه، یعنی ضلع جنوب غربی (قِبلی) و ضلع شمال غربی تزیینَاتی مشابه هم دارند و فقط ضلعی که این حاشیهٔ سنگی بر آن نصب است (یعنی ضلع جنوب شرقی) متفاوت است. البته به طور قطعی نمی‌توان در این‌باره اظهار نظر کرد چراکه تزیینات بخش پایینی ضلعی که در جهت قبله واقع است از بین رفته است و امکان نصب محراب در این ضلع نیز وجود داشته است.

پس در اینجا ما با بنای تغییر یافته‌ای مواجه‌ایم که بارها مورد مرمت قرار گرفته است. این موضوع بازشناسی صورت اصلی آن را دشوار می‌کند. از بحث‌های مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت گنبدخانه و ایوان گنبدخانه از اصیل‌ترین بخش‌های بنا هستند. همچنین گنبد



تصویر ۱۱. حاشیهٔ سنگی مرمری که از آن به عنوان محراب یاد می‌شود. عکس از نگارنده.

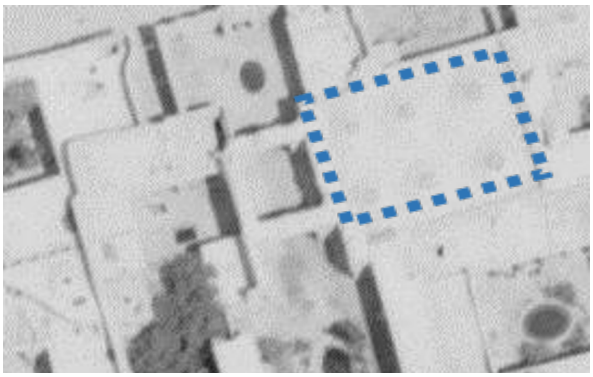
[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.104]

اصلی و نیز گنبد هشتی بازسازی شده است و احتمالاً با صورت اصلی آن تفاوت دارد. به دنبال آن تزیینات زیر این گنبدها نیز اصیل نیست. نمای صحن نیز مرمت شده است اما به نظر می‌رسد که به صورت اصلی آن نزدیک باشد.

علاوه‌بر فضاهایی که معرفی شد، بنای مدرسه احتمالاً فضاهای دیگری نیز داشته است که امروز اثری از آن‌ها نیست. با بررسی پلان و همچنین مقایسهٔ این بنا با مدارس دیگر، می‌توان حدس زد در گذشته فضاهایی در طرفین هشتی وجود داشته است. هم‌اکنون در شرق هشتی، فضایی شبیه به شبستان به ابعاد دو دهانه در دو دهانه وجود دارد. این فضا بسیار آسیب دیده و در حال حاضر آوار آن را پر کرده است. آن‌طور که در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش مشخص است ظاهراً ابعاد این بخش سه دهانه در دو دهانه (جمعاً ۶ طاق) بوده و اکنون بخشی از آن خراب شده است. (تصویر ۱۲) قدمت، کاربری و ارتباط این فضا با بقعهٔ شمسیه مشخص نیست، ولی از نوع طاق‌ها، تناسبات بنا، آجرها و ... می‌توان حدس زد که متأخرتر از بقعهٔ شمسیه باشد. در سمت دیگر هشتی، حیاط یک منزل مسکونی قرار دارد. به هرحال شواهد در این مورد کم است و نمی‌توان اظهار نظر کرد.

در مورد اینکه چرا بخش‌های اندکی از بنای بقعه و مجموعهٔ شمسیه باقی مانده، می‌توان مسئلهٔ سیلاب‌های متعدد را مؤثر دانست. به استناد تاریخ جدید یزد بخش‌های از مجموعه در سال ۸۶۰ق بر اثر سیل ویران شده است. همچنین ایرج افشار به لوحی کاغذی اشاره می‌کند که در بنا نصب بوده و تاریخ ۱۳۰۵ق داشته است. در این لوح آمده است که این بنا در مدت چهارصد سال قبل تعمیر شده است و بعد به جهت سیلاب ویران شده و مدتی متروک بوده است. همچنین آمده است که هر کس برای تعمیر این بنا مخارجی نماید نزد خدا مأجور خواهد بود (افشار، ۱۳۴۸، ۵۹۷-۵۹۸). پس احتمالاً این بنا چندین بار آسیب دیده و تعمیر شده و علت از بین رفتن صورت اصلی آن همین بوده است.



تصویر ۱۲. هشتی و فضاهای اطراف آن در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش (فضای شبستان مانند با شش دهانه طاق در تصویر مشخص شده است).

وضعیت کنونی مجموعه

محلهٔ چهارمنار هم‌اکنون در میانهٔ شهر یزد واقع است. این مجموعه با مسجدجامع و مرکز شهر قدیم یزد فاصله نسبتاً زیادی دارد. بنا بر متون تاریخی، مجموعهٔ شمسیه در خارج از شهر یزد تأسیس و بعد از مدتی به شهر متصل شد. محلهٔ چهارمنار حتی تا سال ۱۳۳۵ش نیز در ورودی شهر یزد قرار داشت. این موضوع در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش به‌وضوح مشخص است (تصویر ۱۳). توسعهٔ اخیر شهر یزد باعث شده است این محله در وسط شهر قرار گیرد. برای بازشناسی صورت اصلی مجموعهٔ شمسیه، نخست بناهای شاخصی را که امروز در این محله موجود است را برمی‌شماریم.



تصویر ۱۳. محلهٔ چهارمنار در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ در ورودی شهر قرار دارد.

مهم‌ترین بنای موجود در این محله، مدرسهٔ شمسیه است که اکنون به بقعهٔ سید شمس‌الدین مشهور است. در مورد این بنا در فصول قبل به تفصیل صحبت شد. دیگر بنای شاخص، بنای حسینیهٔ چهارمنار است. حسینیهٔ چهارمنار در شمال معبر اصلی محله و در فاصلهٔ اندکی از بقعهٔ شمسیه قرار گرفته است. این بنا سردر رفیعی داشته که هم‌اکنون پیشانی و طاق آن فروریخته و بخشی از جرزهای آن باقی‌مانده است. اخیراً در کمر این جرزهای باقی‌مانده مجدداً طاقی زده‌اند (تصویر ۱۴). حسینیه یک هشتی با پلان هشت ضلعی دارد و صحن اصلی آن مربع شکل است و حجره‌هایی گرداگرد آن در دو طبقه قرار گرفته‌اند. در



تصویر ۱۴. سردر حسینیه. عکس از نگارنده.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.10]

پروندهٔ ثبتی بنا در میراث فرهنگی آمده که اساس بنا متعلق به قرن هشتم هجری است و گواه آن نیز همان سردر مذکور دانسته شده است. ایرج افشار نیز تنها بخش باقی‌مانده از مجموعه را علاوه‌بر مدرسهٔ شمسیه همین سردر می‌داند. او معتقد است که در کمر ستون‌های باقی‌مانده از سردر، سقف زده و بعد آن را به حسینیه متصل کرده‌اند (افشار، ۱۳۴۸، ۵۹۳). از بحث‌های مطرح شده و همچنین وضع کنونی بنا می‌توان استنباط کرد بنای حسینیه کنونی در محلِ یکی از عناصر مجموعهٔ شمسیه ساخته شده است. از بنای قبلی فقط بخشی از سردر آن باقی بوده و سازندگان حسینیه از این جرزهای باقی‌مانده نیز برای احداث بنا کمک گرفتند اما از آنجا که این سردر بسیار مرتفع بوده و تناسبات کشیده‌ای داشته است در میانهٔ ارتفاع آن طاق زده‌اند.

علاوه‌بر بناهای یاد شده، دو بازارچه نیز در این محله موجود است که البته امروز رونقی ندارند. یکی از بازارچه‌ها روبروی سردرِ یاد شده قرار دارد؛ به صورتی که امتداد محور اصلی بازارچه دقیقاً از وسط سردر می‌گذرد (تصویر۱۵). بازارچهٔ دیگر در غرب بقعهٔ شمسیه و در امتداد کوچه‌ای که از مقابل بقعه و حسینیهٔ می‌گذرد واقع است.



تصویر ۱۵. سردر حسینیه و بازارِ مقابل آن. عکس از نگارنده.

یک آب‌انبار نیز مقابل بقعهٔ شمسیه قرار دارد که بنا بر پروندهٔ ثبتی میراث فرهنگی، قدمت آن به دورهٔ قاجار باز می‌گردد. یک حمام نیز در محله موجود است که ظاهراً قدمت تاریخی ندارد. همچنین ساکنین محل، از وجود یک کاروانسرا خبر می‌دهند که سال‌ها پیش بر اثر آب افتادگی ویران شده است. این کاروانسرا ظاهراً در شرق بازارچهٔ شرقی واقع بوده است. ویرانه‌های این بنا در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ش مشهود است. هم‌اکنون در این مکان یک زمین بازی احداث شده است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶. موقعیت بناهای شاخص در محلهٔ چهارمنار.

جستجوی صورت اصلی مجموعه

بنابر بحث‌هایی که مطرح شد، آنچه که امروز از مجموعهٔ شمسیه باقی است شامل بخش‌هایی از مدرسهٔ شمسیه و یک سردرِ نیمه ویران است. نخست ثابت می‌کنیم بنایی که امروز به عنوان بقعهٔ سید شمس‌الدین می‌شناسیم همان مدرسهٔ شمسیه است. از آنجا که هم در متن وقف‌نامه و هم در تواریخ یزد آمده است که سید شمس‌الدین در مدرسهٔ خود به خاک سپرده شد، پس بدون شک بنای حاضر، همان مدرسهٔ شمسیه است. فقط در یکی از منابع آمده بود که این مجموعه شامل دو مدرسه بوده است. در وقف‌نامه نیز فقط از یک مدرسه سخن به میان آمده بود که بخشی از آن به مقبرهٔ سید شمس‌الدین اختصاص داشت. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر در این مجموعه دو مدرسه وجود داشته چرا سید شمس‌الدین باید یکی از این مدارس را به مقبرهٔ خود اختصاص دهد و آیا این امر از اعتبار مدرسه‌ی دیگر نمی‌کاهد؟ پس احتمال وجود دو مدرسه‌ی مجزا از هم در این مجموعه بسیار کم بوده است.

قسمت دیگری که امروز باقی است سردر است. گفته شد که سردر دقیقاً روبروی دهانهٔ بازار ساخته شده و در امتداد محور آن است. پس می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً بازار قدیم نیز در محل همین بازار بوده است. بخش دیگری از بازارچه نیز در سمت غربی مدرسه باقی است. متون تاریخی نشان دادند که احتمالاً بازار از مقابل مدرسه عبور می‌کرده است. پس می‌توان فرض کرد که این دو بازار به هم متصل و بخشی از یک راسته‌بازار قدیمی بوده‌اند. هم‌اکنون مقابل سردرِ یاد شده و سردرِ مدرسه دو میدان کوچک وجود دارد که می‌توان فرض کرد این دو میدان به صورت دو میدانچه یا مفصل در میان بازار بوده‌اند و امکان داشته که بناهای دیگری نیز حول این مفاصل بوده باشد. نکته دیگر اینکه در کنار حسینیه، ورودی یک قنات وجود دارد که چند سال پیش آن را مسدود کرده‌اند. از آنجا که در متون آمده است که قناتی در میان بازار جاری بوده، این احتمال تقویت می‌شود که مکان بازار قدیم نیز همین‌جا بوده است.

در متون تاریخی آمده بود که کاروانسرا در یک سوی بازار و حمام در سوی دیگر بازار واقع بوده است. باز هم اگر فرض کنیم که کاروانسرای مجموعهٔ شمسیه در محل کاروانسرایی که چند سال پیش ویران شده قرار داشته و حمام نیز در محل حمام کنونی واقع بوده، آنگاه گفتهٔ متون با این فرض‌ها مطابق خواهد بود؛ زیرا که کاروانسرا در سوی شرقی بازار و حمام در سوی غربی آن قرار می‌گیرد. پس نهایتاً صورت کلی‌ای که با کمک متون و نیز شواهد موجود در محل می‌توانیم تصور کنیم، راستهٔ بازاری است که دو میدانچه در میان آن است و بناهایی در اطراف این میدانچه‌ها وجود داشته است. اجزای اصلی مجموعه احتمالا پیرامون این میدان‌های کوچک در ضمن بازار قرار داشته‌اند (تصویر ۱۷).

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.104]



تصویر ۱۷. موقعیت بناهای باقی‌مانده و صورت فرضی مجموعه. رنگ نارنجی راستای بازار و رنگ زرد میدانچه‌های میان بازار را نشان می‌دهد. مأخذ: نگارنده.

نتیجه‌گیری

در قسمت آغازین این تحقیق، با کمک متون تاریخی و تجمیع و تطبیق آنها، اجزای مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد آشکار شد. بنابر اطلاعات متون، این مجموعه شامل مدرسهٔ شمسیه، خانقاه، دارالسیاده، بازار، حمام و کاروانسرا بوده است. توصیفات متون نشان می‌دهد که بازاری در طرفین مدرسه وجود داشته است. این بازار از مقابل مدرسه عبور می‌کرده و ورودی مدرسه در میان بازار بوده است. همچنین کاروانسرا در یک طرف و حمام در طرف دیگر بازار قرار داشته است.

از اجزای مجموعهٔ سیدشمس‌الدین، هم اکنون فقط بقعهٔ سید شمس‌الدین در محلهٔ چهارمنار یزد باقی مانده است. شواهد نشان می‌دهد که این بنا همان مدرسهٔ شمسیه است. بخش‌هایی از این بنا شامل اتاق گنبدخانه و ایوان آن و بخشی از نمای حیاط اصالت تاریخی دارد. بنای مدرسه هم‌اکنون در مجاورت معبر اصلی محلهٔ چهارمنار قرار گرفته است. در مجاورت این معبر بناهای شاخص دیگری وجود دارد که گرچه اصالت تاریخی ندارند اما می‌توانند راهنمایی برای شناسایی صورت اصلی مجموعه باشند. این بناها شامل دو بازارچه (در طرفین مدرسه)، حسینیه، آب‌انبار، حمام و یک زمین خالی است که درگذشته محل کاروانسرا بوده است. با تطبیق توصیفات متون تاریخی و شواهد موجود در محل، می‌توان یک صورت کلی برای مجموعه پیشنهاد داد. می‌توان فرض کرد دو بازارچه فعلی بخشی از یک راسته‌بازار قدیمی بوده‌اند؛ راسته‌بازاری که از مقابل مدرسه عبور می‌کرده است. این بازار دو مفصل یا میدان کوچک در میان خود داشته است؛ یکی مقابل سردرِ مدرسه و یکی مقابل سردرِ تاریخی حسینیه. اجزای اصلی مجموعه احتمالا پیرامون این میدانچه‌ها قرار داشته‌اند.

اعلام عدم تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شرح کامل این ماجرا در کتب تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد آمده است.

۲. نویسندهٔ وقف‌نامه بارها برای طول عمر و پایداری مقام وزارت سید شمس‌الدین دعا نموده است.

۳. منظور از تواریخ سه‌گانه، کتب تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد و جامع مفیدی است که هر سه به کوشش ایرج افشار به چاپ رسیده است.

۴. سیل یزد در سال ۸۶۰ق رخ داده که مؤلف کتاب آن را مشاهده کرده است.

فهرست منابع

• افشار، ایرج. (۱۳۴۸). *ادگارهای یزد : معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی*. انجمن ملی آثار تاریخی.

• طراز، میرزا عبدالوهاب. (۱۳۴۱). *فرهنگ ایران زمین: کتابچه شرح موقوفات یزد* (به کوشش ایرج افشار). بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

• مستوفی بافقی، مفید بن محمود. (۱۳۸۵). *جامع مفیدی* (به کوشش ایرج افشار). اساطیر.

• وزیری، علی محمد. (۱۳۶۵). *وقفنامه جامع‌الخیرات* (س.ج. عضبان، س.م. مکیان، خ. خجسته، ترجمه). اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان یزد.

• Pope, A. U. (Ed.). (2008). *A Survey of Persian art from prehistoric times to the present: new studies 1960-1969, in memoriam.* Nucleon. (Original work published 1938).

• Jafari, J. (2005). *(History of Yazd) Tarikh - e yazd* (I. Afshar, Ed.). Elmi Farhangi.

• Kateb Yazdi, A. H. (2007). *Tarikh-e Jadid-e Yazd* (I. Afshar, Ed.). Amirkabir.

• Wilber, D. N. (1955). *The Architecture of Islamic Iran, The Il Khānid Period* (A. Faryar, Trans.). (Original work published 1938). Franklin Book Program https://doi.org/10.1163/157005858X00551

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله

سپهری، یحیی. (۱۴۰۵). جستجوی اجزا و صورت گذشتهٔ مجموعهٔ سید شمس‌الدین یزد. *مکتب احیاء*، ۴(۱۱)، ۸-۱۷.

DOI: https://doi.org/10.22034/4.11.104

URL: https://jors-sj.com/article-1-104-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-06]

[DOI: 10.22034/4.11.104]